



سید جواد حسینی

نادان، از آنچه ما درباره علی علیه السلام می‌دانیم، آگاه بودند، حتی دو نفر از آنها از ما متابعت نمی‌کردند.»^۲

۳. من بند کفش علی علیه السلام هم نیستم
شکیب ارسلان، ملقب به «امیر البیان»، یکی از نویسندگان زبردست عرب در عصر حاضر است. در جلسه‌ای که به افتخار او در مصر تشکیل شده بود، یکی از حضار در

۱. زیبایی بخشی به خلافت
عبدالله پسر احمد بن حنبل گوید که روزی نزد پدر نشسته بودم. جماعتی نزد او آمدند و سخن از خلافت ابو بکر و عمر و عثمان پیش آمد تا اینکه سخن از علی علیه السلام و خلافت آن حضرت به میان آمد. پدرم در این باره گفت: «إِنَّ الْخِلَافَةَ لَمْ تُزَيَّنْ عَلَيَّا بَلْ عَلِيٌّ زَيَّنَهَا؛^۱ همانا خلافت، علی را زینت نداد؛ بلکه علی به خلافت زیبایی بخشید.»

۲. بی‌خبری مردم از فضایل پدر عمر بن عبد العزیز - از خلفای بنی امیه - می‌گوید: «اگر مردم

۱. ترجمة الامام علی بن ابی طالب، ابن عساکر، بیروت، مؤسسة المحمودی، ۱۳۹۸ ق، ج ۳، ص ۱۴۶، ح ۱۱۶۳.

۲. ربیع الابرار، زمخشری، قسم، الشریف الرضی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۴۹۹.

شخصی از استادام ابو هزیل پرسید: «آیا علی علیه السلام نزد خدا افضل است یا ابوبکر؟!»

استاد گفت: «به خدا سوگند! اگر فقط مبارزه علی علیه السلام با عمرو بن عبدود در روز خندق با اعمال مهاجران و انصار و تمام عبادتهای آنان معادله و موازنه شود، آن مبارزه، سنگین تر و برتر از همه آنها می شود، چه رسد به ابوبکر تنها.»^۴

۷. گنجی شافعی

وی به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می گوید: «اگر تمام درختان، قلم و دریاها، مرکب و جنیان، حسابگر و تمام انسانها نویسنده باشند، نمی توانند فضایل علی بن ابی طالب علیه السلام را به حساب آورند.»^۵

ضمن سخنان خود می گوید: «دو نفر در تاریخ اسلام پیدا شده اند که به حق شایسته اند، «امیر سخن» نامیده شوند: یکی علی بن ابی طالب علیه السلام و دیگری شکیب.»

شکیب ارسلان با ناراحتی برمی خیزد و پشت تریبون قرار می گیرد و از مقایسه دوستش گله می کند و می گوید: «من کجا و علی بن ابی طالب کجا؟! من بند کفش علی علیه السلام هم به حساب نمی آیم.»^۱

۴. فخر رازی

او گفته است: «هر کس در دین خود به علی بن ابی طالب اقتدا کند به دستگیره ای تمسک کرده است که هرگز زوال و نیستی برایش راه نخواهد یافت.»^۲

۵. ابن جوزی

وی می گوید: «ولایت امیر مؤمنان، هنگام مرگ و غسل دادن و کفن برای من کافی است و طینت من، قبل از خلقتم با محبت علی علیه السلام عجین شده است. پس آتش، چگونه می تواند مرا بسوزاند.»^۳

۶. یک عمل، برتر از همه

ابن ابی الحدید می نویسد:

۱. سیری در نهج البلاغه، مرتضی مطهری، قم، صدرا، ص ۱۹ و ۲۰.
۲. تفسیر کبیر، فخر رازی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۶۸.
۳. تذکره الخواص، ابن جوزی، تهران، مکتبه نینوی الحدیثه، بی تا، ص ۱۶.
۴. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا، ج ۱۹، ص ۶۰.
۵. کفایة الطالب، گنجی شافعی، تهران، دار احیاء التراث اهل البیت، ۱۳۶۲ش، باب ۱۲، ص ۲۵۱.